



تصاویری که سازمان ملل از اشک اعضای این سازمان در زمانی که نادیا مراد از سر نوشت خود سخن می‌گفت منتشر کرد

من یکی از هزاران زن ایزدی بودم که قربانی خشونت جنسی سربازان از خدا بی‌خبر داعش شده بودم. جامعه ما ایزدی‌ها، متلاشی شده است و هر کدامان در گوشه‌ای از دنیا در کمپ‌های پناهجویی زندگی می‌کنیم. می‌خواستم به دنیا بگویم به فکر انسان‌های دردکشیده باشید. بگویم ما باید منطقه امنی را برای اقلیت‌های مذهبی در عراق ایجاد کنیم



بگویم ما باید منطقه امنی را برای اقلیت‌های مذهبی در عراق ایجاد کنیم. می‌خواستم از حاجی سلمان برایشان بگویم که چند بار به من تجاوز کرد. صادق بودن، سخت‌ترین تصمیم زندگی من بود و البته مهم‌ترینش. من می‌خواستم راوی درد و رنج زنانی باشم که بدنشان بستر زورگویی و برتری طلبی می‌شود. من تا کنون بسیار سخن گفته‌ام، اما مطمئن باشید هنوز چیزهای بسیار زیادی وجود دارد که دنیا باید از زبان ایزدی‌ها بشنود.

منبع: گاردین

خانواده‌هایی که در غارها مخفی شده‌اند، هزاران زن و کودکی که همچنان اسیر داعش هستند، و آنچه برادرم شاهدش بود و دیگران به آن صحنه قتل عام می‌گویند. من یکی از هزاران زن ایزدی بودم که قربانی خشونت جنسی سربازان از خدا بی‌خبر داعش شده بودم. جامعه ما ایزدی‌ها، متلاشی شده است و هر کدامان در گوشه‌ای از دنیا در کمپ‌های پناهجویی زندگی می‌کنیم. می‌خواستم به دنیا بگویم به فکر انسان‌های دردکشیده باشید.

سال بعد فعالیت‌های خود را برای آگاهی‌بخشی به مردم درباره جرایم جنگی آغاز کرد. در نوامبر سال ۲۰۱۵، یک سال و چند ماه پس از آنکه داعش به روستای ما حمله کرد، من آلمان را به مقصد سوئیس ترک کردم تا در نشست سازمان ملل درباره مسائل اقلیت صحبت کنم. آن روز برای اولین بار، قرار بود داستان زندگی‌ام را برای مخاطبان گسترده‌ای تعریف کنم. می‌خواستم درباره همه چیز صحبت کنم: از کودکی که طی فرار از دست داعش بر اثر تشنگی می‌میرند،

خود کرد. این گروه تروریستی همه چیز را برنامه‌ریزی کرده بود: چطور برده‌ها به خانه‌های سربازان بروند، چه چیزی یک دختر را ارزشمندتر و بی‌ارزش‌تر می‌کند، کدام سرباز شایسته داشتن برده است و... حتی در نشریه تبلیغی این گروه نیز در ستایش برده‌های جنسی مطالبی نوشته می‌شد. تجاوز در تاریخ زندگی بشر همواره به عنوان ابزار جنگی وجود داشته است. من هرگز فکر نمی‌کردم با زنان رواندا اشتراکی داشته باشم، حتی قبل از آن اصلاً نمی‌دانستم چنین کشوری وجود دارد. حالا من به بدترین وضع ممکن با زنان این کشور در چیزی مشترک شده‌ام؛ همگی ما قربانی جرایم جنگی هستیم.

آن روز، در طبقه پایین سربازان نام خود و نام دخترانی را که پسندیده بودند در دفتری می‌نوشتند. من به مردی فکر می‌کردم که شبیه هیولا بود، به اینکه او چقدر قوی است. او بوی تخم‌مرغ گندیده و عطر می‌داد. من به طبقه پایین نگاه می‌کردم، و به دخترانی که از سر تسلیم و استیصال دنبال سربازها راه افتاده بودند. در این میان یک جفت پای مردانه دیدم که خیلی استخوانی بود و به پای زن‌ها شبیه بود. به سمت او دویدم، و التماس‌کنان گفتم: «تورو خدا من را با خودت ببر. هرکاری بخواهی می‌کنم فقط نگذار اون غول من را ببرد.» نمی‌دانم چرا مرد لاغر پذیرفت؛ نگاهی به هیولا کرد و گفت: «این دختر مال من است.» هیولا هم چیزی نگفت. مرد لاغر در موصل قاضی بود و هیچ‌کس با او مخالفت نمی‌کرد. سرباز مسئول ثبت‌نام پرسید، نامم چیست، گفتم: «نادیا»؛ مرد لاغر گفت: «نادیا حاجی سلمان.» (نادیا سرانجام از دست مرد گریخت. او اوایل سال ۲۰۱۵ به کمپ پناهجویی در آلمان رفت و



منبع: glamour

من برده داعش بودم

سرگذشت «نادیا مراد» از بردگی در چنگال تکفیری‌ها تا تبدیل شدن به فعال حقوق بشر از زبان خودش

فرحناز دهقی
خبرنگار

شبه‌نظامیان سرما فریاد کشیدند «آرام، آرام». به ما می‌گفتند «ساکت شوید!» اما این دستورها ما را بیشتر می‌ترساند. شبه‌نظامی‌ای نزدیکم شد، من او را هل دادم و جیغ کشیدم. تمام وجودم می‌لرزید و در عین حال که بدتم خیس عرق شده بود، از سرما تاب ایستادن نداشتم. قبل از آنکه بفهمم چه شده، سرباز سیلی محکمی به صورتم زد و من را روی زمین انداخت. بقیه دخترها هم در در چنین وضعیتی بودند. برخی از آنها خودشان را روی زمین می‌کشیدند و به سمت دوستان و خواهرانشان می‌رفتند تا از آنها حمایت کنند.

زده بودند، ما هم جیغ می‌زدیم و التماس می‌کردیم. اول سراغ زیباترین دختر آنجا رفتند و پرسیدند: «چند ساعت است؟» و چشم به دهانش دوختند. از نگهبان پرسیدند: «حوری‌اند، درست است؟» نگهبان زیر لب غریب: «پس چی؟» و با غرور انگار که فروشنده‌ای است که مرغوب‌ترین جنس‌ها را به مشتری‌ها عرضه کرده، به ما نگاهی انداخت. بعد از آن شبه‌نظامیان با ما هر کاری می‌خواستند کردند؛ انگار که ما حیوان بودیم، نه انسان. در اتاق همه‌های به راه افتاده بود، دختران جیغ می‌زدند و به عربی و ترکی سؤال‌هایی می‌پرسیدند.

بازار برده‌ها نیمه‌شب باز شد. می‌توانستیم صدای جمعیت را بشنویم که شبه‌نظامی‌ها در حال ثبت‌نام و سازماندهی آنها بودند. وقتی اولین مرد وارد اتاق شد، تمامی دختران وحشت‌زده شروع به جیغ زدن کردند. انگار بمبی منفجر شده بود. طوری ناله می‌کردیم که انگار زخمی شده بودیم و کف زمین بالا می‌آوردیم، اما هیچ کدام از شبه‌نظامی‌ها دست بردار نبودند. دور اتاق قدم می‌زدند، به ما زل

بازار برده‌ها نیمه‌شب باز شد. می‌توانستیم صدای جمعیت را بشنویم که شبه‌نظامی‌ها در حال ثبت‌نام و سازماندهی آنها بودند. وقتی اولین مرد وارد اتاق شد، تمامی دختران وحشت‌زده شروع به جیغ زدن کردند. انگار بمبی منفجر شده بود. طوری ناله می‌کردیم که انگار زخمی شده بودیم و کف زمین بالا می‌آوردیم، اما هیچ کدام از شبه‌نظامی‌ها دست بردار نبودند. دور اتاق قدم می‌زدند، به ما زل



خانواده بزرگ محک در صدر جهان ایستاد

خانواده بزرگ محک با کسب امتیاز ۹۷٫۵ درصد بالاترین رتبه در ارزیابی استاندارد SGS در بین ۳۲۸ سازمان مردم‌نهاد جهان که دارای گواهینامه معتبر می‌باشند را کسب کرد و بار دیگر جامعه مدنی ایران افتخاری کم‌نظیر را در روزهای سخت درمان سرطان کودکان رقم زد. ما امروز و در هر شرایطی تلاش می‌کنیم تا همواره به ارزش‌های اصلی خود که همان شفافیت و پاسخگویی است، پایبند بوده و با اتکا به یاری نیکوکاران ایران زمین روزهای سخت را با آرزوی رسیدن به سربلندی و سلامتی کودکانمان پشت سر بگذاریم و همواره راوی خبرهای خوب باشیم.

روش‌های حمایت از کودکان محک:
شماره کارت: ۶۰۳۷-۹۹۱۱-۹۹۵۰-۰۵۹۰
شماره حساب: ۷۳۳-۲۳۵۴۰-۰۲۱-۲۳۵۴۰

از اینکه به پیام ما توجه می‌کنید، سپاسگزاریم.

محک
مؤسسه غیرهزینه حمایت از کودکان مبتلا به سرطان
mahak-charity.org

گزارشگری در قرن بیست و یکم

بیشتر خبرنگاران کار خود را بر مبنای سه عملکرد مشخص بنا می‌نهند: انجام مشاهدات، تحلیل مستندات و مصاحبه با منابع مطلع. اگر چنانچه می‌خواهید در کار خود حرفه‌ای باشید و از آن دسته خبرنگارانی شوید که سوزهای پراهمیت را شکار می‌کنند و به شکلی تأثیرگذار گزارش می‌نمایند، لازم است که در این سه شیوه جمع‌آوری اطلاعات به کسب مهارت بپردازید. هدف از تألیف این کتاب نیز دقیقاً آموزش چنین روشی است. این کتاب با ارائه یک چارچوب و روش پژوهشی جامع، به خبرنگاران این امکان را می‌دهد که خبرها را به شکلی شفاف و موثق گزارش کنند. روش پژوهشی‌ای که این کتاب بر مبنای آن نوشته شده است به دانشجویان رسانه می‌آموزد که چگونه در محیط خبری امروز دوام بیاورند و پیشرفت کنند. این روش به خبرنگاران یاد می‌دهد که چگونه به جهان پیرامون خود بنگرند تا هرچه سریع‌تر به سوزهایی ناب دست پیدا کنند و چگونه به جمع‌آوری اطلاعاتی بپردازند که اثرگذاری گزارش آنها را افزایش دهد. این کتاب همچنین به پیچیدگی‌های گزارشگری خبر در دوران حاضر - به ویژه تأثیر فناوری - می‌پردازد و فنون پیشرفته روابط عمومی را که خبرنگاران باید با آن دست و پنجه نرم کنند، بررسی می‌کند.

انتشارات روزنامه ایران

منتشر کرد

جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن‌های ۹۵ و ۸۸۵۲۸۸۲۲ تماس یا به آدرس سهروردی شمالی خیابان خر مشهور پلاک ۱۶ مراجعه فرمایید. پست الکترونیکی: entesharatiran@gmail.com